

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

عرض کردیم که از نظر فقهی نسبت به نظر به محارم به غیر از عورت (که عورت را یا مجرد قُبُل و دُبُر باید حساب کرد و یا بر طبق يك روایت صحیحهای «ما بین السرة و الركبة» است. و نتیجه گرفتیم که طبق همین آیه شریفه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» نظر به محارم، به بدن آنها و به زینت‌های باطنی اشکالی ندارد و بالعکس یعنی محرم هم می‌تواند به مرد محرم خودش نگاه بکند الا مسئله عورتین.

این را عرض کردیم هم از آیه به خوبی استفاده میشود و هم سیره قطعی و اجماع بر این است و هم از روایات استفاده می‌شود. و در عروه مرحوم سید وقتی این مسئله را عنوان کردند که «يجوز النظر الى المحارم ما عدى العورة اذا لم يكن عن تلذذ و ريبه» هیچک از فقهاء - این عروه‌های که موجود است - حاشیه‌ای بر این مسئله ندارند.

نقد و رد صریح حضرت استاد نسبت به مطالب یکی از مقاله های منتشر شده

در یکی از این مقالاتی که در حوزه قبلاً منتشر شده است دیدم صاحب آن مقاله قائل به این است که نظر به زینت‌های باطنی محارم حرام است؛ یعنی پسر نمی‌تواند به بدن مادر حتی ما عدی العورة نگاه کند. برادر نسبت به خواهر، نسبت به محارم.

آن وقت ملاحظه کردم ببینم که دلیل این قائل چیست؛ دلیل را این آیه شریفه 58 همین سوره مبارکه نور قرار داده است

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»

آیه می‌فرماید: کسانی که ملك یمین شما هستند، غلامان شما هستند و آن کسانی که به حد حلوم و احتلام و بلوغ عقلی نرسیده‌اند، فرزندان شما که حالا به قرینه ذیل آیه استفاده می‌شود که اینها به حد تمییز رسیده‌اند اما بعد بلوغ نرسیده‌اند، اینها وقتی می‌خواهند وارد بر اتاق شما بشوند در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: «من قبل صلاة الفجر - قبل از نماز صبح اگر پسر شما یا خادم شما خواست وارد و قبل از نماز صبح هست، پسری که به حد بلوغ نرسیده است این باید اجازه بگیرد - وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ - ظهیره وسط روز را می‌گویند (نیم روز)، وقتی وسط روز وارد اتاق می‌شوید و لباسان را در می‌آورید - و سوم - وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ - بعد از نماز عشاء - ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ - این سه وقت اوقاتی است که بعنوان عورات برای شما هست؛ یعنی اوقاتی است که شما سزاوار نمی‌بینید که بدن شما و آن حالی که شما در آن حال قرار گرفتید، حال خلوت خودتان را نمی‌خواهید دیگران ببینند.

حالا ببینیم از کجای این آیه استفاده میشود که نظر به محرم چه مرد محرم به زن محرم، یا زن محرم به مرد محرم اشکال دارد؟ اینطور که بیان کردند در آنجا (مقاله) گفته اند که علت این که این کودکان باید اجازه بگیرند چیست! وجه استیذان چیست؟ وجه استیذان این است که در این اوقات معمولاً بدن زن یا بدن مرد، بیش از اوقات دیگر مکشوف است.

ممکن است مثلاً لباسش را در آورده باشد، در این اوقات بدن زن یا بدن مرد بیش از اوقات دیگر مکشوف است.

یا به بیان دیگر در این اوقات زینت‌های باطنی کاملاً مکشوف است. و در نتیجه آیه می‌گوید باید استیذان بکنند.

استیذان بکنند آنها زینت‌های باطنی خودشان را بپوشانند و بعد که پوشانند اجازه بگیرند وقتی آنها هم اجازه دادند اینها وارد اتاق بشوند. و گفته‌اند که ما یا مفهوم می‌گیریم از این آیه یا می‌گوییم از راه ملازمه عرفی از آیه استفاده می‌کنیم نظر به زینت‌های باطنی محارم هم حرام است. از آیه یا مفهوم می‌گیریم یا از راه ملازمه عرفی می‌گوییم نظر به زینت‌های باطنی یا محل زینت‌های باطنی که مشخص هست، نظر به اینها حرام است.

این استدلال به نظر ما کاملاً مخدوش است و گاهی اوقات واقعا برای انسان سخت است که اصلاً یک چنین بیانهای غیر فقهی غیر صحیح چطور در بعضی از این نوشته جات می‌آید حالا روشن می‌کنیم که اصلاً این آیه چه می‌خواهد بگوید؛ و این آیه کجا و مدعای این قائل کجا!

در آیه شریفه می‌فرماید: در این سه وقت اینها استیذان باید بکنند، «لِیَسْتَأْذِنُکُمُ الدِّینَ مَلَکَتْ أَيْمَانُکُمْ وَالَّذِينَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ» آیا اولین حرف این است که این وجوب استیذان يك وجوب تکلیفی است در این آیه شریفه؟ یعنی خادم، غلام یا کودکی که هنوز به حد بلوغ نرسیده اما به حد تمییز رسیده است، چون اگر به حد تمییز نباشد معنا ندارد این حرف‌ها. این «لِیَسْتَأْذِنُکُمُ» آیا يك وجوب تکلیفی است؟

اگر وجوب تکلیفی است ما دلیل داریم تا مادامیکه کسی بالغ نشده باشد ولو به حد تمییز هم رسیده باشد تکلیف ندارد؛ اگر يك بچه ممیزی مرتکب يك حرامی شد، مثلاً خمری خورد (نعوذ بالله) دروغ گفت، غیبت کرد یا واجبی را ترك کرد هیچ فقهی نمی‌آید بگوید این عنوان عاصی را دارد و عنوان فاسق را دارد.

تمام احکام تکلیفیه مقید به بلوغ است، بلی ما در اصول این مطلب را گفتیم که ممکن است این قاعده تخصیص بردار باشد یعنی بگوییم تمام تکالیف شرعیه مقید به بلوغ است الا در يك تکالیفی که شارع بیايد بگوید برای ما ولو بچه به حد بلوغ هم نرسیده باشد این تکالیف را دارد، مثلاً در باب تکالیف وضعیه آنجا دلیل داریم بر اینکه ضمان اختصاص به بالغ ندارد، شامل غیر بالغ هم می‌شود، آیا در اینجا ما می‌توانیم بگوییم این آیه نسبت به «الذین لم یبلغوا الحلم» بعنوان یک استثناست یعنی شارع می‌خواهد بفرماید کسی که بعد تکلیف نرسیده اگر استیذان نکرد کار حرامی انجام داده است، اگر استیذان نکرد و وارد اتاق شد این کار حرامی را انجام داده است، یا این که نه، این آیه اصلاً کاری به داخلین خیلی ندارد، این برای رعایت حرمت مدخولین وارد شده است؛ یعنی شارع می‌خواهد بگوید شما برای این که محفوظ باشید ما می‌گوییم اینها استیذان بکنند، استیذانشان هم برای رعایت حرمت شماست نه اینکه این خودش يك حکم تکلیفی برای اینها داشته باشد.

این برای این است که شما محفوظ بمانید، شما حرمت تان شکسته نشود، برای این جهت است و اگر برای این جهت است يك عنوان ارشادی را فقط پیدا می‌کند، این «لِیَسْتَأْذِنُکُمُ الدِّینَ مَلَکَتْ أَيْمَانُکُمْ» این ارشاد است.

که معمولاً افراد داخل اتاق در این سه وقت، وقت خلوت اینهاست لباس های معمولی شان را معمولاً در می آورند ممکن است با یک لباسهای نازکتر و با یک لباس های کمتری استراحت بکنند، ارشاد به این معناست. نه اینکه ما اینجا بگوییم این «لِیَسْتَأْذِنُکُمْ» یک حکم تکلیفی است، ما روی قاعده می توانیم بگوییم بچه ای که به حد بلوغ نرسیده تکلیف ندارد؛ نمی توانیم در اینجا بگوییم این حتماً در این آیه شریفه در این مورد استثناء است، چرا؟ چون قرینه داریم، قرینه اش این است که خداوند برای رعایت احترام آنها این مطلب را دارد بیان می کند، یعنی خود استیذان یک ملاک نفسی ندارد، این برای این است آنها مثلاً یک مقداری محفوظتر بمانند نه اینکه استیذان برای خود غلام یا برای بچه ای که به حد بلوغ نرسیده بگوییم خودش یک حکم تکلیفی نفسی است و باید انجام بدهند، نه قطعاً عنوان طریقی را دارد ارشاد به این است که باید رعایت حالات آنها را در این سه وقت ما داشته باشیم.

این «لِیَسْتَأْذِنُکُمْ الذِّینَ مَلَکَتْ أَيْمَانُکُمْ» ظهور در یک حکم ارشادی دارد، راهنمایی می کند به این معنا. و البته عرض کردم نه اینکه آن قاعده قابل تخصیص نباشد اما تخصیص اش خیلی مشکل است؛ نیاز به یک مخصص خیلی محکم و قوی دارد. یک مخصصی بیاورد حتی در حکم تکلیفی اش بگوید اگر بچه در این زمان این کار را کرد این حکم تکلیفی را دارد، قابلیت تخصیص را دارد. و لذا نسبت به احکام وضعیه تخصیص خورده است.

اما اینجا ما باشیم و این آیه شریفه آیا واقعاً در مقام تخصیص است! میگوید بچه در این سه وقت استیذان بکند ما هم می دانیم در این سه وقت افراد چه مردان و چه زنان لباس هایشان لباس های دیگری هست، حتی نکته ای که اینجا وجود دارد این است که اگر مرد هم بخواهد بر مرد داخل بشود، در نظر مرد به بدن مرد هیچ کس اختلافی ندارد، این را کسی نمی تواند بگوید آقا مرد هم فقط به بعضی از اعضای بدن مرد می تواند نگاه بکند، اینجا هم او باید استیذان بکند، غلام اگر می خواهد وارد اتاق بشود ولو می داند در اتاق فقط مرد وجود دارد، اما باز باید استیذان بکند در این سه وقت، این یک عنوان ارشادی را دارد و یک عنوان نفسی و تکلیفی را در اینجا ندارد.

ثانیاً سلمنا که ما بگوییم «لِیَسْتَأْذِنُکُمْ» یک حکم تکلیفی است؛ بگوییم بر این بچه هم واجب است استیذان بکند اما کجای آیه دلالت دارد که بعد از استیذان زن باید خودش را و زینت های باطنه اش را بپوشاند! کجای آیه این دلالت را دارد، زن فرض کنید در یک حالتی است یک مقدار لباسش کمتر است حالا اگر یک مقداری خودش را جمع و جور کرد اما مع ذلك هنوز زینت های باطنی اش پیدا است، آیه می گوید مانعی ندارد. آیه نمی گوید «لِیَسْتَأْذِنُکُمْ» تا اینکه اینها هم تمام زینت هایشان را بپوشانند، کجای آیه این را دارد؟

نکته سوم این است که این آیه مگر دخول مرد بر مرد را نمی گیرد؟ ولو این که مرد مثلاً بصورت عادی ولو لباس های رویش را هم در بیاورد، آن لباسی که می پوشد متعارف است، این پوشش چه معنا دارد آنجا؟

پس اولاً عنوان ارشادی را دارد، ثانیاً عنوان تکلیفی را داشته باشد چه ملازمه ای اینجا با پوشاندن زینت های باطنی هست؟

مفهوم هم نمی شود گرفت، از چه می خواهند مفهوم بگیرند، عرض کردم عبارات را انسان کلمه به کلمه اش را می داند که فنی نیست؛ بالاخره در فقه، فقه واقعاً انسان هر تعبیری که می کند روی صناعت باید تعبیر بکند، انسان نمی خواهد که مقاله بنویسد، یا روزنامه بنویسد، باید تعابیر دقیق باشد.

این آقا با مفهوم یا ملازمه عرفی، از چه مفهوم گرفته بشود؟ این آیه این است «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ» در این سه وقت این مفهومش این است که آنهایی که بلغ الحلوم در جمیع اوقات این را آیه بعد هم فرموده است،

«وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا» دیگر در تمام اوقات باید اجازه بگیرند آن هم عیبی ندارد اصلاً يك آدم بالغی وقتی می‌خواهد وارد يك جای بشود چه آنجا مرد باشد فقط، یا زن باشد این باید اجازه بگیرد و این يك امر عقلایی هم هست، یعنی يك امر شرعی تأسیسی نیست؛ «مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ» این يك امر عقلایی است، يك امر شرعی تأسیسی نیست، عقلاً هم می‌گویند اگر کسی بخواهد وارد يك جای بشود استیذان بکند، منتها این استیذان و لزوم استیذان در کلام شارع دیگر يك امر ارشادی می‌شود.

عرض می‌کنم خیلی اشکال دارد این مقاله، يك روایتی را از الدر المنثور نقل کرده است، راوی به پیامبر عرض می‌کند که من وقتی می‌دانم مادرم در يك اتاقی هست، طبق این آیه وقتی می‌خواهم برایش وارد بشوم باید اجازه بگیرم! حضرت می‌فرمایند بلی، می‌گوید من و مادرم هردو باهم یکجا زندگی می‌کنیم، در يك اتاق یعنی اتاق اختصاصی او نیست، هم مال من است و هم مال ایشان باز هم باید اجازه بگیرم می‌فرمایند بلی، باز می‌گوید من علاوه بر اینکه با مادرم زندگی می‌کنم خدمت گذار او هستم باز هم باید اجازه بگیرم! می‌فرمایند بلی، بعد حضرت می‌فرمایند آیا تو دوست داری که او را برهنه ببینی؟ او عرض می‌کند نه، می‌فرماید پس اجازه بگیر و وارد بشو.

ببینید! این روایت با غمض نظر از مسئله سند، آنچه که مسلم است این است که حالا ممکن است در يك زمانی انسان در اتاقی عریان محض باشد، در يك زمانی حالا یا دارد لباس عوض می‌کند و... اما این که الان مادر با لباس معمولی متعارف که لباس معمولی متعارف زینت باطنی اش را نشان می‌دهد، موضع القلادة را نشان می‌دهد، پایینتر از موضع القلادة را نشان می‌دهد، زانو را نشان می‌دهد، پایینتر از زانو را نشان می‌دهد آیا پیامبر می‌فرماید اینها را هم باید بپوشاند مادر؟ دلالت بر این ندارد.

اینجا آیه را باز يك بار دیگر معنا بکنیم، آیه می‌فرماید: - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ - باید کسانی که ملك یمین شما هستند - وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ - باید آنهایی که به حلم نرسیده‌اند باید استیذان کنند از شما - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ - قبل از نماز صبح - وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ - وقتی لباس‌های خودشان را در می‌آورند در نیمروز، ببینید این - وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ - یعنی در نیمروز کسی برهنه می‌شود! یانه در نیمروز انسان لباس‌های بیرونش را در می‌آورد، يك مقدار لباس کمتری معمولاً بر او هست، نه اینکه عریان محض است - وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ - بعد از نماز عشاء هم همینطور است - ثلاث عورات لكم - این سه وقت اوقات خلوت شماسست. - لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ - این «بعدهن» یعنی بعد از صلاة فجر وقتی روز دارد شروع می‌شود، شما بخواهید وارد اتاق بشوید دیگر نیاز به اجازه ندارد.

اولاً این نکته را من یادم رفت عرض بکنم، نکته این است که مفروض آیه این است که در يك اتاقی که این شخص بعنوان خلوت خودش رفته اگر نظر به زینت‌های باطنه حرام باشد این باید در مجموع بیت اینطور باشد، نه در اتاق خودش، یعنی این بچه ای که با مادرش دارد زندگی می‌کند این وقتی می‌خواهد در اتاق بیاید وقتی مادر از اتاق بیرون آمده در حیات است، باهم هستند به عبارت اخری اگر مستدلی بخواهد به این آیه استدلال بکند نهایتش این است که در این زمان که این چنین است؛ در حالی که مدعای شما کلی است آیه هم می‌فرماید بعد از این اوقات - لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن - سوال این است اگر مادر عریان محض باشد «بَعْدَهُنَّ» جناح دارد یا ندارد؟ مسلم جناح دارد، اشکال دارد.

اگر مرد عریان محض باشد بعد از این اوقات هم جناح دارد این «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ» قرینه بسیار خوبی است برای همان ارشادی بودن؛ حالا ساعت ده بچه‌ای می‌خواهد برود در اتاق مادر، نیازی به استیذان ندارد، حالا در آن ساعت در آن اتاق معمولاً مادر یا از افرادی که در خانه هستند باز تمام بدنشان کاملاً پوشیده شده است؟ نه. این سه وقت را بعنوان ارشاد و بعنوان احترام اینهایی که داخل هستند و احترام بزرگان دارند بیان می‌کنند.

خوب دقت کنید! نکته این است که اگر مسئله عریان محض بود که جناح معنا ندارد، دوم، اگر زینت‌های باطنه همیشه نظر به او حرام است، چرا می‌گوید در آن سه اوقات فقط؟ در این سه اوقات عمدتاً مرد یا زن لباس‌های کمتری پوشیده است اما خارج

از این سه اوقات زینت‌های باطنه دیگر مکشوف نیست؟ آن هم هست. ممکن است يك مقدار کمتر باشد ولی مکشوف است، در خارج از این سه اوقات وقتی زن دارد خانه را تمیز می‌کند از زانو به پایین پایش پیدا نیست؟ خیلی اوقات پیداست.

نکته سومی که از این آیه بعد می‌خواهیم استفاده بکنیم «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» به نظر ما آن استیذان هم استیذان ارشادی است؛ لزوم مولوی ندارد. بچه‌های که به اندازه حلوم و به بلوغ عقلی رسیده‌اند اینها هر وقت بخواهند وارد اتاق بشوند باید اجازه بگیرند این هم يك امر عقلایی است، يك امر عقلایی غیر اختلافی است که همه ی عقلا می‌گویند هر کسی وارد اتاق هر کسی می‌خواهد بشود استیذان بکند. بنابر این، ما در آیات هرچه دقت کردیم در این ادعای که در این نوشته مده بود چون خیلی هم تعجب کردیم واقعا از این نحوه استدلال که صد در صد غیر فقهی و غیر عالمانه است این طور حرف زدن‌ها؛ البته در کتب فقهاء قابل اعتناء نیامده است این مطلب، اگر هم اشعار به این داشت که از این آیه چنین چیزی استفاده میشود آنها مطرح می‌کردند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين